

حقوق شهروند غیرمسلمان

گزارشی مقایسه‌ای از چهار کتاب

علیرضا اسماعیل آبادی

esmaeilabadi@hotmail.com

مقدمه

حقوق شهروندان، به ویژه شهروندان غیرمسلمان در نظام حقوقی اسلام، در شمار موضوعات مورد توجه بسیاری از فقیهان و اندیشمندان کنونی است. استاد عبدالکریم زیدان، ابوالاعلی مودودی، یوسف قرضاوی، فهمی هویدی در این زمره‌اند؛ آنان تلاش کرده‌اند تا شبهات و تردیدها را در مورد حقوق غیرمسلمانان در اسلام بر کنار زنند، حق را بنمایانند و تأکید کنند که دیدگاه اصولی اسلام دفاع از حقوق عمومی و خصوصی شهروندان غیرمسلمان است، هر چند که وابستگی اعتقادی به دولت و دیگر شهروندان مسلمان نداشته باشند. به باور این دسته از صاحب‌نظران، حقوق شهروندی در دولت اسلامی تضمین شده است و هر کس به سرزمین و قلمرو دولت اسلامی وارد شود و شئون زیستن در جامعه اسلامی را رعایت کند، از این حقوق برخوردار می‌گردد.

یافته‌های وی.

روش زیدان چنین است که در مسائل و موضوعهای مرتبط، اقوال مجتهدان و مذاهب گوناگون را به تفکیک باز می‌گوید، البته اقوالی که مستند آن نصوص مقبول یا اجماع باشد؛ چه به باور او اقوال و دیدگاههای مجتهدان تفسیر نصوص است و مجتهدان تلاش کرده‌اند تا با تفسیر نصوص و فهم شریعت، احکام را از آن استنباط کنند؛ و با توجه به اعتبار اجماع - به ویژه نزد اهل سنت - در صورت بروز وجود آرای مختلف می‌توان دیدگاه نزدیک‌تر به اجماع را ترجیح داد. وی پس از ذکر اقوال مختلفه آنجا که توانسته یکی را برگزیده و تقویت کرده است و در جایی که دیدگاهی را راجح و برتر نیافته است تنها به بیان اختلاف نظرها و دیدگاهها بسنده کرده و بالاخره در برخی مسائل نو مرتبط با بحث خود نیز دیدگاهش را ارائه کرده است.

نوشته حاضر چهار کتابی را معرفی و نقد می‌کند که حقوق اقلیتها در حکومت اسلامی را بررسی کرده‌اند. نویسندگان این آثار - که این مقاله نیم‌نگاهی به زندگینامه علمی آنان نیز دارد - هر یک از زاویه‌ای موضوع را کاویده‌اند؛ برخی تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از منابع کهن و ماندگار فقهی و باره سپردن در مسیر احتیاط مسئله را بررسی کنند. پاره‌ای دیگر بر اصول قرآنی یا گزارشهای تاریخی انگشت تأکید نهاده، از منظری انتقادی موضوع را دیده‌اند. به اعتقاد اینان، امروزه به جای سخن از «اهل ذمه» باید از «شهروند» و «شهروندی» گفتگو کرد و بر همین پایه عنوان «حقوق شهروندی» را برای نوشته‌های خویش برگزیده‌اند. این چهار کتاب به چند دلیل برای معرفی و نقد کوتاه، دست چپین شده‌اند: نخست آنکه پدیدآورندگانشان جملگی از اندیشوران بنام جهان عرب هستند؛ دو دیگر آنکه هر یک تماماً به موضوع حقوق و تکالیف اهل ذمه پرداخته‌اند و مسئله را از جهات گوناگون مطالعه کرده‌اند و در هر یک نوآوری‌هایی وجود دارد. در واقع به این دلیل این نویسندگان به موضوع پرداخته‌اند که گفته‌ای نو دارند.

نویسنده روش بحث و بررسی تطبیقی را دنبال کرده؛ هم دیدگاههای فقهی مذاهب مشهور اسلامی را بیان کرده و آنچه را به باور خود ارجح دانسته، تقویت کرده است و هم رأی فقهی منتخبش را با نظام حقوقی کشورهای جمهوری متحد عربی، جمهوری عراق و عربستان سعودی مقایسه کرده است. او در توجیه اینکه چرا به نظام حقوقی این سه کشور پرداخته است، می‌گوید: «دلیل این انتخاب آن است که در جمهوری متحد عربی و عراق قوانین موضوعه در کنار برخی احکام شرعی وجود دارد و قوانین موضوعه با آن تطبیق داده شده است؛ از این رو نمونه مناسبی برای کشورهای اسلامی هستند که خواستار تطبیق قوانین خود با فقه اسلامی می‌باشند. قوانین عربستان سعودی هم با شریعت اسلامی هماهنگی و مطابقت دارد و بنابراین این نظام هم نمونه‌ای برای کشورهای اسلامی است که به این راه می‌روند و از آنجا که قوانین عربستان سعودی با شریعت اسلامی هماهنگی دارد و مطابق مذهب حنبلی است، به بیان دیدگاه حنبلی بسنده کرده‌ام و به هنگام مقارنه و تطبیق از بیان مداوم و تکرار خسته‌کننده آن خودداری کرده‌ام، زیرا دیدگاه حنبلی در عربستان سعودی اجرا می‌شود؛ بدین ترتیب من قوانین جدیدی را که امروزه اجرا می‌شود، بیان کرده‌ام» (صص ۶-۷).

۱) احکام الذمیین و المستأمنین فی دارالاسلام، دکتر عبدالکریم زیدان، بیروت: مؤسسة الرسالة و مکتبة القدس الطبعة الثانية ۱۳۹۶/۱۹۷۶، ۷۰۵ ص. این کتاب در واقع رساله دکتری استاد زیدان است. وی در سال ۱۹۶۲ در دانشکده حقوق دانشگاه قاهره از آن دفاع کرده و درجه ممتاز کسب کرده است؛ رساله با همکاری دانشگاه بغداد منتشر شده و از مهم‌ترین و اثرگذارترین آثار در موضوع حقوق غیرمسلمانان در کشور اسلامی است. نویسندگان پس از وی، معمولاً به دیدگاههای زیدان اشاره کرده‌اند؛ یا برای تأیید و هم‌دلی او، یا برای نقد

زیدان حقوق و تکالیف دو گروه از غیرمسلمانان موجود در قلمرو دولت اسلامی را بررسی می‌کند: ذمیان و امان‌خواهان (مستأمنین). اینان غیرمسلمانانی‌اند که در قلمرو حکومت اسلامی از حقوقی برخوردارند و در مقابل، تکالیفی بر دوش دارند. این حقوق و تکالیف گاه میان ذمی و مستأمن و حکومت

**حقوق شهروندی
در دولت اسلامی
تضمین شده است
و هر کس به سرزمین
و قلمرو دولت اسلامی
وارد شود و
شئون زیستن
در جامعه اسلامی را
رعایت کند،
از این حقوق برخوردار
می‌گردد**

**زیدان حقوق و
تکالیف دو گروه از
غیرمسلمانان موجود
در قلمرو دولت اسلامی
را بررسی می‌کند:
ذمیان و امان خواهان
(مستأمنین).
اینان غیرمسلمانانی اند
که در قلمرو
حکومت اسلامی
از حقوقی برخوردارند
و در مقابل،
تکالیفی بر دوش دارند**

بروز می‌کند و گاه در رابطه آنان با افراد جامعه.

کتاب در یک مقدمه (باب تمهیدی)، دو بخش (قسم) و یک خاتمه سامان یافته است. نخست به بررسی احکام مربوط به ذمیان می‌پردازد و در ادامه احکام امان خواهان را باز می‌گوید و بالاخره، مباحث مطرح شده را با قوانین موضوعه تطبیق می‌دهد.

مقدمه کتاب در سه فصل سامان یافته است: فصل اول، نگرش اسلام به جهان و تقسیم‌بندی افراد و سرزمین آنان فقط بر پایه عقیده دینی و اسلامی؛ فصل دوم، تعریف ذمی و امان خواه؛ فصل سوم، تابعیت (جنسیت) ذمی و امان خواه.

بخش آغازین کتاب حقوق و تکالیف ذمیان و امان خواهان در قبال دولت اسلامی را بررسی می‌کند و خود به دو باب جداگانه تقسیم می‌شود. در باب نخست (حقوق و تکالیف ذمیان و امان خواهان در دارالاسلام)، زیدان نظریه عمومی در برخورداری ذمیان و امان خواهان از حقوق و تکالیف (فصل اول) را بیان می‌کند و سپس به انواع حقوق ذمیان و امان خواهان در دارالاسلام می‌پردازد و در ادامه، تکالیف آنان را در برابر دولت اسلامی برمی‌شمرد. در فصل دوم این باب، انواع حقوق غیرمسلمانان مطرح می‌شود و حقوق سیاسی آنان مهم‌ترین و برجسته‌ترین بحث این فصل است. در فصل سوم به تکالیف آنان می‌پردازد که جزیه، خراج، مالیاتها (العشور، الضرائب التجاریه) از این تکالیف است.

باب دوم درباره جرائم ذمیان و امان خواهان و کیفرهای آنها است. این جرائم گاه علیه امنیت ملی است، مانند راهزنی (قطع طریق)، بغی، جاسوسی (فصل اول)؛ گاه علیه جان دیگران است، مانند قتل که کیفر آن - حسب مورد - قصاص، یا دیه و یا کفاره است (فصل دوم)؛ گاه علیه تمامیت و سلامت جسمانی افراد است بی آنکه موجب مرگ کسی شود، مانند قطع اعضا (فصل سوم)؛ و سرانجام ممکن است علیه آبرو، شرف و حیثیت افراد باشد، مانند اعمال منافی عفت و یا متهم ساختن افراد پاکدامن به آن اعمال (فصل چهارم). دومین بخش کتاب، احکام و روابط ذمیان و امان خواهان با دیگر افراد جامعه را بررسی کرده است. پاره‌ای از این احکام، به احوال شخصی مربوط است و شماری از آنها روابط مالی را در بر می‌گیرد. ناگفته پیداست روابط ذمیان و امان

خواهان با دیگر افراد جامعه حقوق و تکالیفی را هم به دنبال می‌آورد و باید از سوی دستگاه قضایی حمایت شود، از این رو منطق بحث اقتضا می‌کند صلاحیت قضایی دولت اسلامی در رفع مشکل ذمیان و امان خواهان تبیین گردد و مشخص شود چه قانونی بر دعاوی آنان حکومت دارد؛ بر همین اساس استاد زیدان بخش دوم کتاب را در سه باب سامان داده است:

باب اول: احوال شخصی، باب دوم: معاملات مالی، باب سوم: صلاحیت قضایی و بررسی قانون حاکم بر مسائل و مشکلات ذمیان و امان خواهان. خاتمه کتاب برخی از مزایا و برتریهای شریعت اسلام را بیان می‌کند و گزیده‌ای از بحثها و نتایج به دست آمده را باز می‌گوید.

۲) حقوق المواطنة: حقوق غیر المسلم فی المجتمع الاسلامی، راشد الغنوشی، الطبعة الاولى، تونس ۱۹۸۹/۱۴۱۰، الطبعة الثانية: منقحة و مزیدة: هیرندن - فیرجینیا، المعهد العالمی لفکر الاسلامی، ۱۹۹۳/۱۴۱۳، ۱۳۷ ص.

غنوشی در ۱۳۶۰ ه.ق. (۱۹۴۱) در شهر الحامه واقع در جنوب تونس زاده شد. قرآن را نزد پدرش یاد گرفت و در کودکی آن را حفظ کرد. در دانشگاه زیتونه درس خواند و سپس در تونس به آموزگاری پرداخت. در رشته فلسفه از دانشگاه دمشق به سال ۱۳۸۸ (۱۹۶۸) مدرک کارشناسی گرفت و برای تحصیل دکتری به دانشگاه سوربن فرانسه رفت، ولی به دلایلی آنجا را ترک گفت. رساله دکتری خود را در تونس با عنوان «الحریات العامة فی الدولة الاسلامیة» نگاشت (این کتاب با عنوان آزادیهای عمومی در حکومت اسلامی به ترجمه حسین صابری توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، در سال ۱۳۸۱ به خوانندگان فارسی زبان ارائه شده است) ولی نتوانست در دانشکده شریعت تونس با موفقیت از آن دفاع کند، بلکه به دلیل عقایدش بازداشت شد. چندی بعد از تونس کوچید و در بنیانگذاری «حرکه الاتجاه الاسلامی» شرکت جست و در سال ۱۴۰۱ (۱۹۸۱) به ریاست آن برگزیده شد و به دنبال آنکه جنبش به «حزب النهضة» تبدیل شد در سال ۱۹۸۹ به ریاست آن برگزیده شد. او در مجله‌های المعرفة و المجتمع و الحبيب کار کرد و سرانجام سردبیری مجله المعرفة را بر عهده گرفت.

عناوین کتابهایش چنین است: نحن و الغرب، طریقنا الی الحضارة، الحركة الاسلامیة و التحديث، المرأة بین القرآن و المجتمع، فی المبادئ الاسلامیة للديمقراطية و الحكم الاسلامی.

کتاب حقوق المواطنة با دو مقدمه از طه جابر العلوانی و محمد توفیق الشاوی به چاپ رسیده است.

راشد الغنوشی پس از نگارش کتاب آزادیهای عمومی در اسلام و زندانی شدن در زندان برج الرومی تونس، در زندان نماز جمعه خواند و در مقام امام جمعه زندان در سال ۱۹۸۴ سلسله خطبه‌هایی ایراد کرد که موضوع سخن ما گرد آمده آن خطبه‌ها است و از این رو، هر عنوان و بحث از دو خطبه تشکیل می‌شود و البته، مهم‌ترین بحثها در خطبه نخست آمده و در خطبه دوم تنها توضیحی کوتاه یا سفارشی دینی نقل شده است (صص ۲۷ - ۳۰).

غنوشی در اظهارات خود از اصول و قواعد عمومی بهره می‌گیرد و احکام فقهی را استنباط می‌کند. وی دیدگاههای خود را بر پایه کتاب و سنت استوار می‌سازد و از هر یک از این دو منبع دو اصل کلی استنباط می‌کند و بر این باور است که این اصول منبای دیگر اصول است. او پژوهش خود را بر پایه دو اصل قرآنی «ان الله یامر بالعدل و الاحسان» (نحل/۹۰) و «لا اکراه فی الدین» (بقره/۲۵۶) بنیان می‌نهد و اشاره می‌کند که آیه «عدل و احسان» قلب قرآن است و بنا به گفته فخر رازی، قرآن خود تفسیر این اصل است و آیه «لا اکراه...» نیز ضامن آزادیهای دینی و اعتقادات است که آیه‌هایی را که مسلمانان را به پیکار با ذمیان فرا می‌خواند، تخصیص می‌زند، بنابراین ذمیان همانند مسلمانان شهروند به شمار می‌آیند.

در قانون اساسی مدینه که نخستین قانون اسلامی مکتوب اسلام و حتی جهان به شمار می آید، پیامبر حقوق اقلیتهای یهودی مدینه را به این دلیل که آنان را جزئی از مردم مدینه دانستند، محترم شمردند

به رغم انتشار آثار متعدد درباره حقوق شهروندان غیرمسلمان در جامعه اسلامی، ادبیات فارسی در این قلمرو چندان پُر برگ و بار نیست

هویدی در ساماندهی کتاب خود هم به دیدگاههای مفسران، از جمله محمد غزالی، توجه کرده است و هم به پژوهشهای تاریخی. با این همه، کتاب هویدی بیشتر رنگ و بوی تاریخی دارد و تلاش کرده است تا در اثبات دیدگاههای خود نشانه‌های تاریخی را هم ارائه دهد.

هویدی در گردآوری و تدوین کتاب تلاش بسیار کرده است تا منابع جدید و دیدگاههای نو را بیابد و توانسته است از مقاله‌ها و نوشته‌هایی بهره برد که در دیگر کتابهای همانند آن دیده نمی‌شود. با وجود این، هویدی نیز مانند بسیاری دیگر از نویسندگان عرب نتوانسته است از شیوه علمی ارجاع به منابع استفاده کند. کتاب هویدی به یک گردآوری همانندتر است، زیرا بیشتر آرای دیگران را نقل می‌کند.

نتیجه‌گیری:

همه این نویسندگان به گونه‌ای در بحثهای تاریخی از پژوهشهای ترتون و آدام متز بهره بسیار برده‌اند و در واقع، اهمیت پژوهشهای این دو نویسنده در حدی است که دیگر نویسندگان نتوانسته‌اند آنها را نادیده انگارند؛ بنابراین در آثار معرفی شده، به ویژه کتاب خیر، تحقیقات ترتون نقش بسیاری دارد. گفتنی است به رغم انتشار آثار متعدد درباره حقوق شهروندان نامسلمان در جامعه اسلامی، ادبیات فارسی در این قلمرو چندان پُر برگ و بار نیست. معدود کتابهای تألیفی فارسی در این زمینه مربوط به چند ده سال قبل و محتاج بازننگری و روزآمدی است؛ از جمله

وی سپس به دو اصل و قاعده عمومی از سنت نبوی اشاره می‌کند که بر پایه آن همه شهروندان جامعه اسلامی از حقوقی یکسان برخوردار بوده‌اند و میان مسلمان و غیرمسلمان تفاوتی نگذاشته است: نخست آنکه در قانون اساسی مدینه که نخستین قانون اسلامی مکتوب اسلام و حتی جهان به شمار می‌آید، پیامبر حقوق اقلیتهای یهودی مدینه را به این دلیل که آنان را جزئی از مردم مدینه دانستند، محترم شمردند و دوم آنکه پیامبر به فرماندهان ارتش سفارش می‌کردند که آن دسته از گروههای غیرمسلمانی که قرارداد ذمه را بپذیرند، حقوق و تکالیفی برابر با مسلمانان دارند. این گونه دستورات بیانگر برابری شهروندان - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - در حکومت (دولت) اسلامی است و همین اصول غنوشی را بر آن می‌دارد تا از به کار بردن اصطلاح «اهل ذمه» دست شویید و بر آن شود که بهتر است در دوره کنونی از این اصطلاح پرهیز شود؛ چه بر این اصطلاح گرد شبهاتی چند نشسته است و برخی به همین دلیل ادعا می‌کنند که حقوق شهروندان غیرمسلمان در اسلام ناقص است. بدین ترتیب شهروندان غیرمسلمان همه حقوق و تکالیف را دارند، جز اینکه نمی‌توانند به فرماندهی نیروهای مسلح و ریاست دولت انتخاب شوند؛ ولی قطعاً غیرمسلمانان از تأمین و رفاه اجتماعی برخوردارند. به باور غنوشی، همه احکام فرعی بر اصول و قواعد عمومی در حمایت از حقوق و کرامت بشر مبتنی است و شریعت از همه ابنای بشر حمایت می‌کند و نمی‌توان پذیرفت غیرمسلمانان یا مخالفان از حقوقی همسان و برابر با سایر افراد جامعه برخوردار نیستند.

کتاب که گرد آمده خطبه‌های شیخ غنوشی در زندان است، محتوا و ترتیبی همانند کتابهای علمی دقیق و کاملاً منسجم ندارد و پاره‌ای مطالب اشاره‌وار مطرح شده‌اند و پاورقیهای کتاب هم ناقص است. مثلاً در برخی پاورقیها صفحه مورد نظر بیان نگردیده و به ذکر نام کتاب یا نویسنده بسنده شده است و شاید اگر این مباحث در آن شرایط ویژه گردآوری نمی‌شد، دقیق‌تر می‌نمود. چنین می‌نماید که شیخ دیدگاههای نویسندگان و صاحب‌نظران در این موضوع را می‌دانسته و بیشتر از همه به دیدگاههای زیدان نظر داشته و برخی از منابع خود را به نقل از وی آورده است (صص ۸۹ - ۹۱).

۳) غیر المسلمین فی المجتمع الاسلامی، یوسف قرضاوی، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۵، ۲۳۵ ص.

قرضاوی نیز از جمله اندیشمندانی است که به بررسی این مهم پرداخته و در این کتاب تلاش کرده است تا برخی از تکالیف مقرر شده برای اهل ذمه را توجیه کند و برخی دیگر را کنار گذارد. وی بر این باور است که می‌توان زکات را بر اهل ذمه واجب دانست و در برابر پرداخت زکات به حکومت اسلامی از حقوق و تأمین اجتماعی بهره گرفت. قرضاوی غیرمسلمانان را در صورت نپرداختن زکات مستحق بهره‌مندی از مقررات رفاه اجتماعی نمی‌داند. وی در مقام یک فقیه، بر خلاف پاره‌ای نویسندگان، احتیاطهای معمول را و می‌نهد و از این رو در باب حقوق سیاسی غیرمسلمانان می‌نگارد: «اهل ذمه همانند مسلمانان حق دارند مسئولیتهای دولتی را بر عهده گیرند، مگر آنکه مقام و سمتی صیغه دینی بیشتری داشته باشد؛ مانند امامت، ریاست دولت، فرماندهی لشکر، قضاوت میان مسلمانان و ولایت در اخذ صدقات و مانند آن» (ص ۲۳۰). او در ادامه می‌گوید چون این گونه مقامها عمل مدنی محض نیست بلکه جنبه عبادی دارد، مثلاً در اسلام جهاد در رأس عبادات است، نمی‌توان پذیرفت که غیر مسلمان به سمت فرماندهی مجاهدان برگزیده شود. در حالی که برخی دیگر از نویسندگان مانند فهیمی هویدی این دیدگاه را نمی‌پذیرند و با بیان نمونه‌های تاریخی آن را اثبات می‌کند (صص ۱۷۰ - ۱۷۱).

۴) مواظنون لا ذمیون: موقع غیر المسلمین فی مجتمع المسلمین، فهیمی هویدی، القاهرة: دارالشروق. الطبعة الثانية، ۱۹۹۹/۱۴۲۰.

کتاب حقوق اقلیتهای نوشته استاد عباسعلی عمید زنجانی (که انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۷۰ خورشیدی آن را تجدید چاپ کرده است). شایسته است با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، محققان ایرانی مسئله را باز پژوهی کنند.

پی‌نوشت:

۱. دکتر ا. س. ترتون، اهل الذمة فی الاسلام. ترجمه و تعلیق الدكتور حسن جشی، القاهرة، دارالمعارف. ۱۹۶۷.
۲. آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی، ترجمه علیرضا دکواتی قراگزلو (ج ۱)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.